

جلسه پانزدهم

مسئله هفتم

۱. فرزندان اعمام و احوال، در صورت نبودن والدینشان جایگزین آنان می شوند. و هر کدام سهم کسی را که واسطه خویشاوندی او با متوفی است را می گیرد.

۲. مثال: فرزند عمه، دو سوم می گیرد هر چند دختر باشد و فرزند دایی یک سوم می گیرد هر چند پسر باشد.

پسر عمه یک سوم می برد و بقیه به دختر عمو می رسد. (زیرا در جمع عمه و عمو اینطور می شد.)

پسر دایی و پسر خاله به طور مساوی ارث می برند.

۳. اگر فرزندان احوال که متفرق اند با هم جمع شوند، به فرزندان یک دایی یا یک خاله مادری، یک ششم ثلث داده می شود و به فرزندان چند دایی یا چند خاله مادری، یک سوم ثلث داده می شود. و بقیه برای فرزندان دایی و خاله ی پدری خواهد بود.

۴. ترکه میان فرزندان اعمام ابوینی و اعمام پدری به تفاوت تقسیم می شود. ولی بین فرزندان اعمام مادری و نیز فرزندان احوال مطلقا مساوی تقسیم می شود.

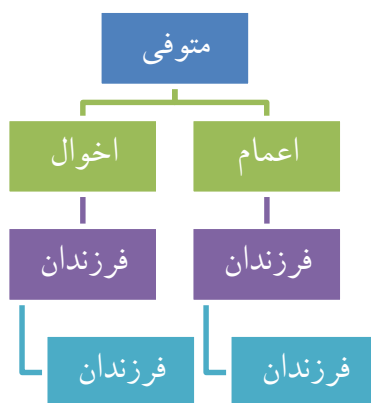
مسئله هشتم

۱. در اعمام و احوال، آنکه از میت دورتر است، در صورت وجود فرد نزدیکتر ارث نمی برد.

پس پسر دایی (اگر چه پدرش ابوینی باشد) اگر با دایی جمع شود (اگر چه مادری باشد) یا با عمو جمع شود (مطلقا) ارث نمی برد.

۲. جز در مورد پسر عموی پدر و مادری و عموی پدری.

نکته مهم: تفاوت میان ارث بردن طبقه دوم و سوم. در اجداد و اخوه فرد نزدیک به میت در هر صف مانع دیگری نمی شد، اما در اینجا فرد نزدیک از صنفی، مانع فرد دورتر از صنف دیگر می شود.



مسئله نهم

۱. کسی که دو سبب دارد، با هر دوی آنان ارث می برد.

مانند کسی که هم عموی میت است و هم دایی او. (برادر پدری حسن با خواهر مادری او ازدواج کند، در این صورت حسن، **عموی پدری و دایی مادری فرزندان** آنها خواهد بود).

یا شوهری که آزاد کننده یا ضامن جریره همسرش باشد.

یا

۲. اگر یکی از آن سبب ها حاجب سبب دیگر باشد، از جهت آن سبب که حاجب است ارث می برد.

میراث ازواج

۱. زن و شوهر اگر چه با هم نزدیکی نکرده باشند از یکدیگر ارث می برند. جز در مورد مرد بیمار مگر آنکه با آن نزدیکی کند یا از آن بیماری بهبود یابد.

۲. طلاق رجعی، در صورتی که زن یا شوهر در زمان عده از دنیا برود مانع از ارث بردن طرفین نیست برخلاف طلاق بائن مگر وقتی که شوهر زنش را در هنگام بیماری طلاق داده باشد که در این صورت زن تا یکسال از شوهر ارث می برد هرچند شوهرش، از او ارث نمی برد.

جلسه شانزدهم